

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سروش

۲۵ جولای ۲۰۲۰

کارخانه های تولید تروریسم

امپریالیسم وارث استعمارکهن است. اما از نیمه اول قرن بیست تاکنون درصدد مستعمره سازی به شکل استعمارنویین بوده و به غارت و چپاول ثروت کشورها و خلق های جهان مبادرت ورزیده است. به خاطر برآورده شدن امیال شوم تفوق طلبانه اش، ضمن توسل به شیوه های خشن و قهرآمیز و سوء استفاده از ابزارهای نوین و تکنالوژی پیشرفته و اتکاء بربرتری تکنیک نظامی، باگسترش شبکه های استخباراتی، برخلق ها و کشورهای فقیرجهان فرمانروائی می کند. به گواهی تاریخ، استعمارضمن استفاده از قوت های نظامی، برای بهترجلوه دادن «مدنیت جدید» و مذمت بربریت، به بهانه «انتقال مدنیت» دسته هائی از مبلغان و مسیونرهای مذهبی را - جهت اغفال خلق معروض به تجاوزویا زیراشغال - گسیل داشته است. این شیوه عمل دوگانه را ما در افغانستان، عراق، سوریه، لیبیا، لبنان و... شاهد بوده ایم. البته اولین شکار آنها، قشر جوان کشور است؛ که با ترویج افکار، اخلاق و عادات مبتذل و منفور غربی و پیشکش امتیازات مادی و تبلیغ اندیشه های برده ساز نیولیبرالی، می خواهند این قشر آسیب پذیر در عنفوان شباب رامتقاعد سازند که گویا دردنیای امروزی بدون وابستگی، ادامه زندگی ممکن نیست (متأسفانه، از این لحاظ تاحدی موفق نیز بوده اند). استعمارگران اشغالگر کمافی السابق از روش اهریمنانه سیاسی «تفرقه بینداز و حکومت کن.» همین اکنون نیز استفاده می کنند. آنها درکشور اشغال شده ما افغانستان مسائل قومی، زبانی، هویتی، منازعه اقلیت و اکثریت، تمایلات و دلبستگی های سمتی را - که از جمله تناقضات و تضادهای آشتی پذیر درون خلق شناخته می شود و هیچ ملتی از آن مبرا نیست - مغرضانه به سوی جایگاه آشتی ناپذیر سوق می دهند. بدون تردید این ترفند، در غیبت و به حاشیه راندن نیروهای «چپ» انقلابی و فقدان شخصیت های ملی خیره و بادرایت (که ترجیح منافع ملی و الاثرین دل مشغولی آنها باشد)، توجه اقوام برادر کشور را از حل مسائل اساسی، منحرف نموده است. در پیامد چنین سیاست تفرقه افکنانه، شبح هول انگیز وقوع جنگ داخلی و تجزیه، در فضای سیاسی کشور درگشت و گذار بوده و بدین ملحوظ اکثریت مردم را تشویش، نگرانی و اندوه ویژه ای فراگرفته است.

امپریالیسم اشغالگر با تحمیل سیاست اقتصادی «بازار آزاد» لیبرالیسم نو، روند تولید و توزیع تاریخی و ساختارهای معوج و نیم رمق، متناسب با شیوه تولید کشورهای ما قبل سرمایه داری را مختل ساخته و زیر ساختهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی همچو کشورها را مسخ و تشخیص آن را دشوار نموده است. تحمیل این سیاست اقتصادی عاریتی، عدم انطباق خود را در همچو کشورها، به وضوح نشان داده است. این امر تأثیرات زیانباری را در عرصه های صنعتی، پیشه وری و کشاورزی برجای گذاشته و موجب بیکاری کارگران صنعتی، کارگران کشاورزی، دهقانان و پیشه وران

شده؛ والزاماً باعث فقر، آوارگی و تراکم نفوس در شهرهای بزرگ گردیده و بالطبع تکدی، انحرافات اخلاقی، اعتیاد به موادمخدر، دزدی، خودکشی و امراض روانی - در حد غیر قابل تصویری - شیوع و گسترش یافته است.

این اوضاع و شرایط، زمینه از خودبیبگانگی اجتماعی، اوهام و پندارگرایی را - در قیاس با هر زمان دیگر - تمهید و فراهم نموده است. نجات و بیرون رفت مردم، از این وضعیت آسفبارویاس آفرین، مستلزم روشنگری انقلابی و واقع گرایانه است تا مردم به علل و عوامل نکبت های تحمیلی آگاهی حاصل نمایند و برای زدودن آن راه درست و واقع بینانه اتخاذ نمایند. در چنین اوضاع و احوال، اعلان اعمار مدارس از سوی عربستان سعودی، به معنای تجویز خوردن روغن و نمک به مریض دارای فشار بلند خون است. زیرا که از ایجاد چنین مدرسی، همواره به جز از سلفیت، وهابیت، ولایت فقیه و... - که مردم را همواره به سوی مفاک تاریک یأس و از خود بیگانگی سوق داده و به جنگ ویرادرکشی مواجه نموده - چیز دیگری نتر اویده است. در ذیل، توجه خواننده گرامی را به اثرات زیانبار ایجاد همچو مدرسی معطوف می داریم:

نقش عربستان سعودی در پیشبرد اهداف امپریالیسم :

سازمان های جاسوسی و اطلاعاتی عربستان سعودی، با همکاریهای مستمر و تنگاتنگ سازمان سیا و موساد مهمترین فعالیت ها را در کشورهای مسلمان نشین، به نفع ایالات متحده آمریکا و اسرائیل، انجام می دهد. سرویس استخبارات GLP (که به مثابه چشم آمریکا در منطقه عمل می کند)، هر ملت و کشوری که آمریکا یارای نفوذ در آن را ندارد، به این سازمان جاسوسی سپرده می شود.

آری، فعالیت های تروریستی و تروریج اندیشه های وهابیت و تربیت نیروهای وابسته به آن در کشور ما، از دهه هشتاد میلادی یعنی از آغاز تجاوز سوسال امپریالیسم روس، در تاریکترین و تلخ ترین زمامداری حاکمیت باند «خلق و پرچم» به پاکستان و عربستان سعودی، تحت پوشش سازمان جهمی سیا و موساد، سپرده می شود و تا همین اکنون ادامه دارد. به منظور تأثیر گذاشتن بر افکار مهاجران افغان در کمپ های مهاجران در پاکستان، میلیارد ها دلار غرض تطمیع، تجهیز، تسلیح و ساخت و ساز مکانهای تروریست پروری، توسط عربستان، به مصرف رسیده است. علاوه بر مدارس پیروان دیوبندی، مدارس اهل حدیث، مؤسسه الدعوت الاسلامیه و سایر مدارس دینی، مساجد و مکان های تروریج وهابیت و... - به مثابه کارخانه های تولید تروریسم - زمینه های سرمایه گذاری های اصلی سعودی، به خاطر گسترش وهابیت، افراطیت و بنیادگرایی در افغانستان بوده است. هزاران مبلغ وهابی افغان مانند «محبیب الرحمن» - چه در گذشته و چه همین اکنون، که در مدارس و مراکز عالی وهابیت عربستان تحصیل کرده و می کنند - از مراجع استخباراتی سعودی معاش می گیرند. نه تنها به تبلیغ و تروریج وهابیت می پردازند بلکه لشکر تروریستی را به جنگ ناتمام علیه خلق بی گناه و بی دفاع افغانستان تدارک می بینند. یکی از همین قماش عبدالرب رسول سیاف (مزدور مدام العمر سعودی) و سایر باند های جهادی، طالبی و داعشی است، که به حمایت هنگفت مالی سران آل سعود، کارتر، ریگان، بوش پدر، کلینتن، بوش پسر، اوباما، ترمپ و... به ویژه طی این چهل سال، خون صدها هزار افغان را به خاطر منافع امپریالیسم و ارتجاع دینی سعودی ریخته اند.

شبکه های جاسوسی مخوف سیا، موساد، آی اس آی با تبنانی سران عربستان سعودی و شیخ نشین های عرب، نه تنها به تروریج و گسترش وهابیت، افراطیت و بنیادگرایی - بلاوقه چهل سال تمام - به طور سیستماتیک در افغانستان بلکه به خاطر مغزشوئی نوجوانان مهاجر افغان در خاک پاکستان، به ایجاد هزاران مکتب و مدرسه (در واقع مکانهای تروریستی) در چارچوب پروژ های مجاهد، طالب، داعش و فندامنتالیست پروری، تعبیه انتحاری و انفجاری - در نوار مرزی و در داخل خاک پاکستان - توسط ضیاء الحق، بوتو، پرویز مشرف و نواز شریف جان میلیونها افغان را گرفتند، مهاجر و بی خانمان

ساختند، افغانستان راسرزمین سوخته و به تلی از خاکستر مبدل کرده اند، و پاکستان را سکوی پرشی برای اعزام نیروهای جنهمی از آن سوی مرز به افغانستان و منطقه انتخاب کرده اند.

آری، با گزینش پاکستان به حیث مرکز و کارخانه تولید تروریست، بدون شک در وهله نخست، قصد تجاوز به افغانستان بود که عملی شد. و در مرحله دوم دست یابی به آسیای میانه، ایران و کشور پهنای روسیه است که این تهدید همین اکنون نیز ادامه دارد. «کریس مورفی» یک سناتور امریکائی در همین اواخر از ۲۴ هزار مدرسه افراط گرائی در خاک پاکستان، که به مصرف میلیاردها دلار از سوی عربستان سعودی تأمین بودجه می شود، خبر داده است. این خود آشکارا تهدید را در منطقه نشان می دهد.

همزمان با اشغال کشور و تعیین حکومت پوشالی کرزی - منتصب قصر سفید - کشورهای مرتجع عرب که افغانستان را، با حضور نظامیان کشورهای امپریالیستی، بستر مناسب یافتند؛ بلاوقه با کمک ها و حمایت های مالی سخاوتمندانه در ولایت های جنوبی، جنوب غرب و حوزة غرب، شرق و قسماً در ولایت بدخشان و قندوز با همکاری مستخدمین و نوکران اسبق خود، سران به اصطلاح جهادی و در واقع جلاد هریک سیاف، جلال الدین حقانی، گلبدین حکمتیار و... به ایجاد مدارس دینی (کارخانه تولیدی تروریسم) در داخل خاک افغانستان، پرداختند و به صورت پنهان و پیدا این مکاتیب تروریست آفرین را در سرتاسر افغانستان به طور چشمگیری توسعه دادند که امروز قرار اخبار موثق بیش از پانزده هزار باب مدرسه، دارالعلوم، حوزهای علمیه (در اصل دارالانفجار، دارالانتخار، دارالتور و...) در افغانستان فعال هستند. که بخش اعظم این مراکز را امپریالیزم امریکا، سازمان های مخوف منطقه و فرمانطقه، دالهای نفتی اعراب در پیشبرد پروژه سازی داعش و طالب و... اداره می کنند، حال غرض پنهان کاری و فریب جامعه ملل، عربستان سعودی با اعزام صدها تروریست و جانی به نام های مبلغین دینی در پانزده هزار مدرسه و مکان تروریستی که طی سالهای اخیر در افغانستان با کمک های مالی و تسلیحاتی آن ها فعالیت دارند، گویا خاک به چشمان رقیبان منطقه ئی اش زده و حکایت افسانه اعمار یک صد مدرسه دینی را در افغانستان دارد، که توسط رسانه های وابسته به امپریالیزم با سروصدا و با دهل و سرنا بی خبر از پانزده هزار مرکز و مدرسه تروریستی و دانشگاه و دارالعلوم و... صرف کمک صد مدرسه دینی را خبر ساز نموده و اذهان عامه خلق ما را از فعالیت های متحرکننده و ارتجاعی لشکر جماعت تبلیغی و پروژه سلاخی در قالب طالب، داعش خفاش، گروه ها و باندهای وحشت و دهشت بدورنگه می دارند.

شناسائی عده ای از مزدوران خود فروخته و بی آرم ولانه های تربیت تروریست ها (در شکل مدارس، مکاتب، دارالعلوم ها...) که در ورای فعالیت آنها، دست امپریالیسم جهانی و کشورهای منطقه دخیل است، از اهم موضوعاتی است که باید توجه بدان مبذول شود.

۱ - عبدالرب رسول سیاف:

استخبارات عربستان سعودی، عبدالرب رسول سیاف را به عنوان گزینه مطلوب برگزیده که از دهه هشتاد تا اکنون با وفاداری به خاندان آل سعود به پای شاهان سعودی خم و راست می شود. سیاف در سال ۱۳۵۸ بعد از سقوط امین از زندان پل چرخی رها و به پاکستان رفت و به جاسوسان و جنایت کاران مزدور و هم سلک جهادی های بدنام و منفور پیوست. او نخست در پشاور پاکستان دانشگاهی را به نام «دعوت الجهاد» به حمایت مالی سعودی و تحت نظر (آی اس آی) تأسیس کرد؛ که عده ای از افغانهای مهاجر در آن آموزش می دیدند (بهتر است گفته شود: متحجر می شدند) مجرب ترین جاسوسان و تروریستان به عنوان استاد عرب تا پاکستانی و افغان از آن جمله خود سیاف از زمره استادان این

دانشگاه بودند. محصلان و فارغان مهاجرین دانشگاه به نان و نوائی نمی رسیدند و مستقماً در قتل مردم، غارت و ویرانی کشور، توسط سیاف به اصطلاح به جبهات فرستاده می شدند که اکثریت شان قربانی اهداف امپریالیزم شده اند. به همین سان در پاکستان هزاران مدرسه دینی در چارچوب به اصطلاح جهاد افغانستان به سیادت سیاف و با تبنای مولانا فضل الرحمن، مولانا سمیع الحق و سایر مزدورمنشان دیوبندی (در زمان حکومت جنرال ضیاء الحق) به دستور برژنسکی و به کمک مالی عربستان سعودی در روستاها و محلات پاکستان ایجاد شد که امروزه مراکز تروریستی بزرگی تبدیل شده اند و هزاران « تروریست جانی » از این مراکز فارغ و در جنگ نیابتی و تحمیلی افغانستان به نام طالب به قتل عام مردم ما و نسل کشی شرکت دارند. سیاف همزمان با اشغال افغانستان تحت حمایت مستشاران سفارت امریکا در کابل، مؤسسه تحصیلات عالی را به نام « دعوت » تأسیس کرد، این مؤسسه در ابتداء دارای دانشکده های شرعیات، حقوق و انجینری بود، ولی امروز شامل پوهنهی های بیشتر به نام پوهنتون سیاف شهرت دارد. و سالانه صدها جوان، با تفکر بنیادگرایانه سیافی، فارغ و در نابودی و ویرانی کشور با افکار ناسالم در صفوف جنایتکاران شریک جرم می شوند.

۲- جلال الدین حقانی:

شبکه حقانی از جمله گروهک های تروریستی است که ده ها هزار مردم بلاکشیده مارا مورد حمله قرار داده و به دستور سیا، آی اس آی و عربستان با انجام پلیدترین جنایات هولناک (انتحار و انفجار) شهروندان مظلوم و بی گناه مارا به خاک و خون کشیده است. این شبکه آدمکش، همزمان با اشغال افغانستان توسط روس متجاوز، با کمک های بیدریغ و حمایت همه جانبه عربستان و شیخ نشین های عرب و با پشتیبانی امپریالیزم امریکا شکل گرفت و تا امروز از پشتیبانی امریکا و کشورهای مرتجع عرب برخوردار است.

جلال الدین حقانی یکی از جنایتکاران و جنگ سالاران تربیت یافته سیا و نزدیکترین جاسوس برژنسکی مشاور امنیتی ریگان بود، او در دوران مقاومت با جنایات های نابخشودنی مسبب کشتارهای دست جمعی و ویرانی افغانستان به دستور آی اس آی و سیا شد؛ در حالی که وظیفه پایگاه تخریبی و سلاخی خود مستقر در ولایت های جنوبی در زمان حاکمیت باندهای تبهکار خلق و پرچم کرده بود، تحت پوشش جهاد، در سراسر کشور دست به حملات تروریستی و آدمکشی می زد، او در ولایت های جنوبی افغانستان، همزمان با اشغال کشور توسط کشورهای امپریالیستی، صد همدام رسه و مکان تربیتی انتحاری انفجاری را به حمایت سازمان جهنمی سیا، موساد و به کمک مالی کشورهای عربی خصوصاً عربستان سعودی و قطر ایجاد کرد.

در جریان مقاومت مردم افغانستان به ضد متجاوزان سوسیال امپریالیزم روس و باند تبهکار خلق و پرچم، مردم ما از روی ناگزیری، آواره و مهاجر به کشور پاکستان می شدند، از صفوف جوانان در کمپ های مهاجران شبکه حقانی سرباز گیری و به مدارس دینی پاکستان در جلب و جذب نوجوانان و در شعله و رساختن جنگ تحمیلی گوشت دم توپ قرار می داد، بعد از فروپاشی سوسیال امپریالیزم روس و اشغال مجدد کشور توسط امپریالیزم امریکا و ناتو، دستور آدمکشی مردم ما را - این شبکه - از مراکز سیا، آی اس آی، عربستان، قطر و... علیه خلق بی دفاع افغانستان گرفت. امروز توسط پسرش سراج الدین حقانی مأموریت سلاخی مردم افغانستان را به عهده گرفته است. در مدارس ولایات جنوبی تروریست های طالب، داعش تربیه می شوند و خلق پابرهنه و شکم گرسنه مارا به خاک و خون می کشند. ضمناً باید گفت که انس حقانی برادر سراج الدین حقانی، تروریست شبکه حقانی، در مبادله با دواستاد (درواقع جواسیس) در دانشگاه امریکائی کابل رها شد تا برای کشتار مردم بی گناه عملیات تروریستی بیشتری انجام دهد.

ادامه دارد